

## افزایش ۱۷ درصدی مزد ۹۴

صفحه ۱۶

### چهارشنبه سوری لغو شد!

صفحه ۱۴

سه‌شنبه ۲۶ اسفند ۱۳۹۳ ■ ۲۶ جمادی‌الاول ۱۴۲۶ ■ ۱۷ مارس ۲۰۱۵ ■ سال هفتم ■ شماره ۱۵۶۲ ■ ۱۶ صفحه ■ ۵۰۰ تومان

■ اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی



تقدیم به مردم شهیدپرور شیراز

## اشتباه درست همشهری‌های حافظ

همین‌صفحه

VATAN-E-EMROOZ ■ Vol.07 ■ No.1563 ■ Tue,Mar.17,2015 ■ ISSN:2008-2886

#### تیرهای روز

دل‌راهی آل‌سعود برای تجزیه یمن

## عربستان در تیررس انصارالله

صفحه ۱۵

### سروده استاد معلم برای سردار سلیمانی

صفحه ۱۳

گزارش «وطن‌امروز» از بازار آخر سال

## مردم با احتیاط خرید می‌کنند

صفحه ۲

### هرج و مرج

### پاپ!

صفحه ۱۳

«وطن امروز» از فعالیت‌های سازمان محیط‌زیست در سال ۹۳ گزارش می‌دهد

## محیط‌زیست در ۳۶۵ روز

صفحه ۴

#### خبر

عقب‌نشینی اروپا در مقابل سوریه پس از آمریکا

### موگرینی: با نظام بشار اسد گفت‌وگو می‌کنیم

اتحادیه اروپا به‌رغم مخالفت فرانسه و انگلیس و با وجود تزلزل موجود در موضع‌گیری وزارت خارجه آمریکا در قبال مذاکره با بشار اسد، تاکید دارد رئیس‌جمهور قانونی سوریه بخشی از راه‌حل بحران شام است. دیروز فدریکا موگرینی، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا گفت با نمایندگان نظام بشار اسد در چارچوب بررسی راه‌حل‌های بحران سوریه گفت‌وگو می‌کند. این در حالی است که چند ساعت جلوتر ماری هارف، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در صفحه توئیترش اظهارات رئیس‌ش جان کری درباره لزوم گفت‌وگو با بشار اسد برای رفع بحران سوریه را نقض کرده و گفته بود او با «بشار اسد» صحبت نخواهد کرد. اما موگرینی در کنفرانسی در بروکسل گفت: «با نمایندگان نظام بشار اسد در چارچوب بررسی راه‌حل‌های بحران سوریه گفت‌وگو می‌کنیم... همه گروه‌های مسوری از جمله نظام بشار اسد باید در گفت‌وگوهای حل بحران سوریه شرکت داشته باشند». البته او درباره ادعای وزیر خارجه ایالات متحده ایزابا تردید کرد و گفت: «چه بسا منظور کری نظام اسد بوده است نه خود بشار اسد». وزیر خارجه آمریکا روز یکشنبه در مصاحبه با شبکه «سی‌بی‌اس» اعتراف کرده بود آمریکا در نهایت برای رفع بحران سوریه باید با شخص رئیس‌جمهور سوریه وارد گفت‌وگو شود اما دیروز ماری هارف در موضع‌گیری متناقضی که نشان‌دهنده اوج آشفتگی دیپلماسی خارجی کاخ سفید است، نوشت: «کری به طور خاص به اسد اشاره نکرده است و واشنگتن هرگز بار رئیس‌جمهور سوریه وارد گفت‌وگو نمی‌شود». او تنها کسی نبود که به حرف‌های اخیر کری واکنش نشان می‌داد، وزرای خارجه فرانسه و بریتانیا و دولت ترکیه هر یک به نوبه خود به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به چرخش موضع‌گیری وزیر خارجه آمریکا در قبال نظام دمشق اعتراض کرده بودند. از طرف دیگر «بشار اسد» دیروز در واکنش به ادعای کری گفت: «همچنان به سخنان گوش می‌دهیم و باید منتظر عمل آنها باشیم». از طرف دیگر موگرینی هماهنگ‌کننده ایتالیایی سیاست خارجی اتحادیه اروپا همچنین با اشاره به مذاکرات هسته‌ای ۵+۱ با ایران گفت: «با محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران گفت‌وگو می‌کنم. هنوز اختلافاتی بین گروه ۵+۱ و ایران وجود دارد که باید رفع شود. ما امیدواریم کشورهای اروپایی به حل این اختلافات کمک کنند».

#### دل‌نوشت

**حسین قدیانی: ن والقلم که قصه،**

قصه خرابیات است، ابتدا باید در آب «رکن‌آباد» شست‌وشویی کرد و آنگاه از «دروازه قرآن» رد شد. شهری که نام دروازه‌اش قرآن باشد، باید هم «حافظ» داشته باشد تا کلام‌الله را با چهارده روایت از بر بخواند. عشق است حافظه حافظ. زندی که خوب بلد بود چگونه دست حرف، دست کلمه، دست مصرع، دست بیت، دست غزل را بگیرد و ببرد پاپوس «یوسف گمگشته باز آید به کنعان غم مخور/کلبه احزان شود روزی گلستان غم مخور/این دل غم‌دیده حالش به شود دل بد مکن /وین سر شوریده باز آید به سامان غم مخور/آدور گردون گردوروزی بر مراد ما نرفت/دائما یکسان نباشد حال دوران غم مخور».

محافظ مفهوم انتظار به حضرت حافظ می‌گویند. غزل او غزالی بود که جز دنبال یار نگشت. حقا که دیوانه‌کننده است دیوان حافظ. دلم «شیراز» می‌خواهد تا در چند محله آن طرف‌تر از «حافظیه» به صاحب فیروزه‌های‌ترین گنبد این سرزمین بگویم: «السلام علیک یا احمدبن موسی». اگر حافظ،

#### نگاه

**تقی راستگو: پس از صحبت‌های**

اخیر علی یونسی دستیار ویژه رئیس‌جمهوری درباره «حیای امپراتوری ایران به پایتختی بغداد»، تحلیل‌های مختلفی در این رابطه از سوی جریان‌ت گوناگون سیاسی داخل و خارج از کشور صورت گرفت. انتقاد از دیدگاه‌های مطرح‌شده توسط یونسی با تأکید بر احیای از این تحلیل هاست. «حیای امپراتوری ایران»، هسته اصلی سخنان علی یونسی، وزیر اطلاعات متحد خاتمی را تشکیل داده است.

افرادی که آشنایی حداقلی با تاریخ ایران دارند، نیک می‌دانند امپراتوری ایرانیان در عصر باستان و توسط حکومت‌هایی چون هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان، تجلی یافته است؛ امپراتوری‌هایی که به لحاظ تمدنی از جایگاه برجسته‌ای در تاریخ بشریت برخوردارند.

اگر بخواهیم ویژگی اصلی تأکیدات یونسی بر مفهوم امپراتوری را مورد توجه و تدقیق قرار دهیم، به مفهوم «تمدن» برمی‌خوریم. به عبارت دیگر فحوی کلام علی یونسی با تأکید بر احیای امپراتوری ایران به پایتختی بغداد بیش از آنکه بر عناصر فرهنگی و نرم اشاره داشته باشد، بر عناصر تمدنی و سخت اشاره دارد. شاید این نوع تمرکز یونسی بر عناصر تمدنی و سخت بیش از هر چیز به آن دلیل است که عناصر فرهنگی و نرم این نوع از تفکر ناسیونالیستی سال‌ها پیش توسط اسفندیار رحیم‌مشایی و در قالب «مکتب ایرانی» در دومین همایش ایرانیان مقیم خارج از کشور در مرداد ۸۹ به شکلی جدی مطرح شده بود.

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR

# وطن امروز

# پول کثیف

حکم صادره برای «م-ه» به خاطر کدام پرونده‌های اقتصادی بود؟



صفحه ۲

تقدیم به مردم شهیدپرور شیراز

### اشتباه درست همشهری‌های حافظ

می‌گشود، ایوان ظهور تو را اندیشه می‌کرد؛ «مژده ای دل که مسیحا نفسی می‌آید...» الا ای مسیحا نفس! غیبت تو، نظم «بوستان» را بهم ریخته‌ای بی‌تو، بهار زمین، جنگی به دل زمان نمی‌زند! مگر نه آنکه صاحب‌الزمان بهار شاید به درد بر گرداندن پرستوها بخورد اما برای بشریت، بازگشت تو یعنی بهار، حضرت منجی!

در «گلستان» دارالرحمه، بنارم «ثر» آن شهید را که جای وی وصیتنامه‌اش پر از مهدی فاطمه بود. لب هیچ شهیدی بی‌خود به خنده و نمی‌شود. کاش چشم ما هم، مثل آن شهید شیرازی، شهادت می‌داد به دیدن تو. ای خلاصه خلقت که هم محمدی(ص) و هم علی(ع) و هم نوح(ع) و هم روح! غزل هنوز هم به عشق تو سروده می‌شود و بهار، همانا غزل خداست که فقط گل روی تو را کم دارد! صحبت



برادر بزرگ‌تر شعراست، «شاهچراغ» دوران خوش کودکی نیز برادر بزرگ‌تر امام رضا علیه‌السلام است. راستی! چه رازی نهفته است در شیراز؟ ای شهر خراباتی‌ها! باید هم حافظ، سنگ تو را به سینه بزند؛ «خوشا

شیراز و وصف بی‌مثالش». «سعدیه»، «باغ ارم»، «ارگ»، «دارالرحمه»، «بازار وکیل» و... اصلا همین حوض حیاط حضرت احمدبن‌موسی علیه‌السلام، مساحت همه خاطرات بچگی‌های من است، با آن ماهی قرمزهای کوچک که تا بوی بهار می‌شنیدند، بازگوش‌تر می‌شدند. دلم شیراز می‌خواهد، شیراز و دو رکعت نماز... به یاد خم ابروی یار، الا ای یوسف گمگشته جناب حافظ! داغ فراق تو بد کرده حال بشریت را! اینکه حتی فریاد محراب هم بلند است! «شهید محراب» در همین شیراز، دیوان را که

از «مکتب» مشایی تا «امپراتوری» یونسی

### تقابل «ایرانگرایی مدرن» با گفتمان «انقلاب اسلامی»

مشایی در این همایش به عنوان سخنران اختتامیه، طی سخنانی کلمه «ایران» را یک ذکر مذهبی دانسته و گفته بود: «من اصرار دارم بر مکتب ایران، بعضی‌ها ممکن است بر من خرده بگیرند که تو چرا نمی‌گویی مکتب اسلام؟ از مکتب اسلام دریافت‌های متنوعی وجود دارد...

دریافت ناب از حقیقت ایمان و حقیقت توحید و حقیقت اسلام، مکتب ایران است. باید از این پس ما مکتب ایران را به دنیا معرفی کنیم». ناگفته پیداست ۲ نوع طرز تفکر که یکی بر بسترهای فرهنگی و دیگری بر ساخت تمدنی اشاره دارد، هر دو یک هدف مشخص را دنبال می‌کنند. اهدافی که اساساً و با خوانش دوباره مفاهیم و فرازهای قانون اساسی جمهوری اسلامی هیچ اشتراک و قرابتی با تفکر و آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران ندارند؛ تفکری که بنیانش بر «امت محمدیه»<sup>(۱)</sup> و نه چیز دیگر استوار شده است. با این حال و فارغ از آنکه به لحاظ سیاسی بخواهیم این دو جریان را به یکدیگر متصل کنیم، در ساحت فکر و اندیشه می‌توان این دو جریان را تداوم و مکمل یکدیگر به شمار آورد. تفکراتی که در پیوند با یکدیگر «گفتمانی خاص» را تشکیل می‌دهند؛ گفتمانی که بقایش در گروهی حذف گفتمان انقلاب اسلامی است. در ادامه و طی چند بند به تشریح محورهای اصلی «گفتمان

انقلاب اسلامی که یکی از اصلی‌ترین معیارهای تعیین هویت را دین می‌داند کاملاً واضح است.

۳- تاکید بر تقابل اسلام با ایران در طول تاریخ یکی دیگر از محورهای اساسی است که در این گفتمان مورد توجه قرار گرفته است. البته این گفتمان در برهه‌هایی چون تشکیل دولت صفوی و نگهداشت استقلال ایران از تعرض عثمانی، جنبش ملی شدن صنعت نفت یا جنگ ایران و عراق، این دو عنصر را در کنار و همراه با هم می‌داند لکن انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ خورشیدی ایران را سبلی محکم اسلامگرایی به ایران‌گرایی می‌داند(۱)

۴- تاکید بر نادیده انگاشتن مصالح اسلامی به نام منافع ملی یکی دیگر از محورهای اصلی این گفتمان است. شاید آشکارترین نمود این تفکر را بتوان در شعار معروف «نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران»، در سال ۸۸ و روز قدس سال قننه به یاد آورد؛ موضعی که بارها از سوی بسیاری از رهبران این تفکر به صراحت مورد تأکید قرار گرفته است.

همانگونه که در بندهای پیش بدان اشاره شد بنیان چنین تفکری به نوع تعریف هویت بازمی‌گردد. اساساً در این گفتمان منافع ملی تنها براساس هویت ملی قابل تعریف خواهد بود. ناگفته پیداست این نوع تفکر چه بر سر تفکرات و اندیشه‌هایی چون صدور انقلاب و نظایر آن می‌آورد. بر این اساس در این گفتمان، ملاک و معیار فقط و تنها فقط، ایرانی بودن است و لغزیر.

ادامه در صفحه ۵

#### یادداشت روز

در توصیف وضعیت مذاکرات هسته‌ای

## ۳ اصل راهبردی

■ مهدی محمدی



کمتر از ۳ هفته مانده به پایان ضرب‌الاجل تعیین‌شده برای حصول توافق سیاسی میان ایران و ۱+۵، علائم حکایت از آن دارد که احتمال نهایي شدن یک توافق میان ایران و ۱+۵ بیش از احتمال شکست مذاکرات است. البته دو طرف می‌توانند بدون دستیابی به توافق در مهلت مقرر، مذاکرات را تا مساه ژوئن تمدید کنند اما ظاهراً هیچ یک از دو طرف تمدید مذاکرات را به نفع خود نمی‌داند و آن را به‌عنوان یک گزینه اصلی در نظر نگرفته است. ایران عقیده دارد تمدید مذاکرات به این معناست در حالی که تجربه‌ها سر جای خود باقی است، بخش‌های بیشتری از برنامه هسته‌ای‌اش تعطیل شود. آمریکایی‌ها متقابلاً تمدید توافق را به نوعی پذیرش وضع فعلی برنامه هسته‌ای ایران تلقی می‌کنند؛ یعنی همان چیزی که از روز نخست پس از توافق ژنو گفته‌اند زیر بار آن نخواهند رفت. احتمالاً همین طرز تلقی از طولانی شدن زمان مذاکرات است که باعث شده هر دو طرف روی حصول توافق تا روز ۱۱ فروردین - به هر قیمت- متمرکز شوند. مهم‌ترین عاملی که تعیین می‌کند در هفته‌های آینده میان دو طرف توافقی حاصل خواهد شد یا خیر، این است که اولاً: آیا فرمولی برای توفقی که هم‌زمان به خطوط قرمز هر دو طرف متعهد باشد قابل دستیابی است، ثانیاً: آیا دو طرف خطوط قرمز خود را تا پایان مذاکرات حفظ خواهند کرد یا اینکه یک طرف در نهایت از موضع خود کوتاه می‌آید و ثالثاً: بستگی دارد به اینکه کدام طرف هزینه توافق نکردن را بیش از تن دادن به یک توافق نصفه و نیمه می‌داند؟

بدون آنکه قصد ورود به جزئیات مذاکرات را در اینجا داشته باشیم، چند مساله کلی وجود دارد که اختلاف درباره آنها حصول یک «توافق خوب» در مذاکرات را تهدید می‌کند. این مسائل عموماً بحث‌ناشده باقی مانده، چراکه بیشتر جنبه نظری و کلی دارد و ما به ازای عینی آن محسوس نیست. با این حال، عقیده دارم این مسائل بسیار مهم است و دیدگاه دو طرف درباره آن را باید به مثابه مبانی رفتارشان در نظر گرفت. یک- نخستین مساله این است که آیا یک توافق نهایی - صرفنظر از جزئیات آن- قرار است جانشین حقوق ایران در آن‌بی‌تی شود؟ معاهده آن‌بی‌تی برای همه اعضا است - از جمله ایران- حقوق و تکالیفی معین کرده است. بدون تردید، حقوق و تکالیفی که ایران در توافق نهایی از آن بهره‌مند یا بدان متعهد خواهد شد، غیر از چیزی است که در معاهده آمده والا اگر قرار بود توافق نهایی تکرار آن‌بی‌تی باشد، دیگر نیازی به این همه مذاکره و بحث درباره آن نبود. این یک مساله مهم و سرنوشت‌ساز است که آیا امضای یک توافق جامع هسته‌ای با ۱+۵ که احتمالاً به سرعت از سوی آنها در چارچوب یک قطعنامه الزام‌آور به تصویب شورای امنیت هم خواهد رسید، به این معناست که ایران پذیرفته است تا اطلاع ثانوی از حقوق خود طبق معاهده محروم است و این توافق، حقوق و تکالیف آن را معین می‌کند؟ تاکنون همه بحث‌ها درباره جایگاه حقوقی توافق نهایی در این باره بوده است که آیا این توافق نیازی به تصویب در پارلمان‌های کشورهای طرف مذاکره دارد یا نه. آمریکایی‌ها - چنانکه توضیح خواهیم داد- تقریباً به طور رسمی گفته‌اند در دنبال توافقی هستند که نیاز به تصویب گنگره نداشته باشد. از سوی دیگر اما در ایران کم و بیش روشن است که هرگونه توافق نهایی باید به تصویب مجلس برسد. اما آنچه تقریباً هیچ‌کس درباره آن سخن نمی‌گوید، این است که نسبت این توافق با معاهده آن‌بی‌تی چیست. مجموعه شواهد تا اینجا نشان‌دهنده آن است که آمریکایی‌ها می‌خواهند توافق نهایی را در مورد خاص ایران، جانشین آن‌بی‌تی کنند. به این ترتیب، ایران در طول زمان گام نهایی یک استننا خواهد بود که حقوقش کمتر از بقیه اعضای آن‌بی‌تی و تکالیف آن بیش از بقیه اعضا خواهد بود. از حیث راهبردی، این یک مساله بسیار اساسی برای تهران است و تبعات اجتناب‌ناپذیری خواهد داشت. اگر ایران پذیرفت در موضوع هسته‌ای یک استثنا باشد، چه ابثعی وجود دارد که کشورهای غربی بعدها در پرونده‌های دیگر هم همین معامله را با آن نکنند و فرایند اعتمادسازی را به فرآیند استانداردسازی ایران در همه حوزه‌های قدرت ملی ایران تبدیل نکنند؟

ادامه در صفحه ۱۱